

برگزاری کنفرانس ملی حزب توده ایران

تصویب رسانند.
کنفرانس ملی پس از بررسی تشریحی مربوط به انقلاب بهمن ۵۷ و ارزیابی خط مشی سیاسی حزب در ارتباط با آن و گفتگویی مفصل در اطراف برنامه جدید، این دو سند مهم را تصویب کرد.
کنفرانس ملی با توجه به کیفیت فعالیت حزب در شرایط کنونی تغییرات لازم را در اساسنامه بوجود آورد.
کنفرانس ملی بر اساس گزارش کمیته مرکزی یک سلسله اسناد را به صورت قطعنامه ها و پیام ها به تصویب رساند که از آن جمله است:

کنفرانس ملی حزب توده ایران، علی رغم پی آمدهای سنگین یورش بربرمنشانه ارتجاع و امپریالیسم به حزب، با شرکت شمار زیادی از کادرهای حزبی در محیطی سرشار از روح دموکراسی و همکاری های رزمی برگزار شد. این کنفرانس، مفهوم استواری آشتی ناپذیر و خارج آئین حزب در برابر انواع دشواری ها است که دشمن طبقاتی در روند مبارزه بوجود می آورد.

کنفرانس ملی نخست گزارش کمیته مرکزی را درباره حیاتی ترین مسایل اقتصادی - اجتماعی و سیاسی استماعت کرد و سپس در محیط تبادل نظر رفیقانه و دموکراتیک پیرامون آن به بحث و بررسی پرداخت و آنرا به

بقیه در ص ۲



شماره ۱۰۶ دوره هشتم
سال دوم ۲۲ خرداد ۱۳۶۵
بها ۲۰ ریال

مامهاجران

با عبور از خط ویرانه مرز تو، وطن ما به جغرافی جان، وسعت دنیا دادیم خیل درناها بودیم و به یک سیر بلند تن آواره به تاریکی شب ها دادیم.

زهمه جای جهان بال کشیدیم ولی دل شوریده در آن لانه دلنگ تو ماند غوطه خوردیم به صد بحر و به امواج زدیم باز بر بال و پر سوخته مان رنگ تو ماند.

می گذشتیم به پرواز و ازین غم آگاه که بود مقصد پایانی ما در پس پشت آه از آن یا رودیاران دمام شده دور وای از این صبرگدازان به هر لحظه درشت.

روز پریخت و شب خسته تن از راه بماند ما ولی پا به سرقله هر سال زدیم هرچه کردیم زبی تابی و هر جا که شدیم در هوای تو، برای تویر و بال زدیم.

یک دم از یاد تو غافل نگذشتیم و نشد که نپرسیم به سرآمده ات را از باد کوه ها سنگ صبورند ولی می گویند هرچه از هجر کشیدیم در آن ها فریاد.

می سراشیم سرودی که ز خون بال گرفت می رسانیم پیام تو به عشاق جهان تا به یک روز یکی روز به زیبایی وصل بازگردیم به سوی تو همه مرده فشان.

سیاوش کسرائی
آذرماه ۱۳۶۴

همبستگی جهانی با توده ای های دربند

در کنگره حزب کمونیست هندوستان

چندی پیش سیزدهمین کنگره حزب کمونیست هندوستان با شرکت هزاران تن از اعضای حزب در ایالت بیهار برگزار شد. در این کنگره برخی مسایل مهم ملکی بین المللی مورد بحث و بررسی قرار گرفت و قطعنامه های گوناگونی به تصویب رسید. در کنگره یاد شده از جمله قطعنامه ای پیرامون اوضاع و احوال حاکم برشماره از کشورهای همانند ایران که رژیم های ارتجاعی و ضد خلقی بر آنها فرمانروایی می کنند، صادر شد. در این قطعنامه سیاست رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی محکوم شده و نسبت به شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی در زندان های ایران شدیداً اعتراض گردیده است. بقیه در ص ۸

معلمان زحمتکش در برابر آموزش های ارتجاعی

فشار، اختناق، و اخراج کارکنان و کارمندان در کلیه ادارات دولتی و وزارتخانه های جمهوری اسلامی امری متداول و رایج است. اما بالاترین رقم اخراجی و تصفیه را آموزش و پرورش داشته است. روزی نیست که معلمانی به "جرم" مکتبی نبودن و یا گفتن سخنی "مغایر با شئون اسلامی" از کار برکنار نشوند. طی سالهای گذشته معلمان "دگر اندیش" گروه - گروه اخراج و جای آنها را معلمان با "آب هفت دریا" شسته گرفته اند. رژیم "ولایت فقیه" نگران است تا مبادا نوجوانان و جوانان دانش آموز چینی جز خرافات و لاطائلات انباشته در بقیه در ص ۷

بیا موزیم، تبلیغ کنیم،
وسازمان دهیم
«خانه امن»
۴

بگذار کبوتر سپید صلح

جای جغد شوم جنگ را بگیرد

بیش از پنج سال است که مردم، بویژه اقشار و طبقات زحمتکش میهن ما، در شهر و ده، طعم تلخ جنگ و خونریزی را می چشند. خرابی خانه و کاشانه، مرگ و آسیب فرزندانش، اثرات مستقیم و غیر مستقیم جنگ بر وضعیت زندگی مردم و محدودیت های بی شمار ناشی از جنگ بر کرده زحمتکشان سنگینی می کند. مردم آرزو دارند که این جنگ خانمانسوز پایان یابد، ویرانی های ناشی از جنگ ترمیم شود، مهاجران جنگی به شهرهای خود بازگردند. زندگی در شهرها و روستاها وضعیت عادی پیدا کند. اما آیا حاکمیت جمهوری اسلامی پاسخ گوی این خواست قلبی و برحق مردم میهن ما است؟ تمام واقعیت ها نشان می دهد که چنین نیست. رژیم سیاست خود را بر محور تشدید جنگ و به تبع آن "نظامی کردن" تمام عرصه های جامعه استوار ساخته است.

یکی از اثرات مستقیم ادامه جنگ بر اقتصاد کشور، کاهش چشمگیر امکان های مادی - مالی رژیم برای ادامه همین جنگ است. بدین خاطر است که سیاست گزاران رژیم در تکاپوی بسیج همه امکانات و یافتن راه های نوین برای تأمین نیازمندی های ادامه جنگ هستند.

وابستگی مطلق بودجه کشور و هزینه های جنگی به درآمدهای نفتی از یکسو، کاهش استخراج و صدور نفت در نتیجه ادامه جنگ و خطرات دائمی که آن را تهدید می کند و کاهش بهای نفت در بازار جهانی از سوی دیگر، رژیم را به اتخاذ سیاست جدیدی مجبور ساخته است. این سیاست همانا نظامی کردن تمام عرصه های جامعه، حذف هر آنچه که در خدمت جنگ نیست، نظامی کردن تولید و واردات، به تعطیل کشاندن مستقیم و غیر مستقیم تولیدات غیر نظامی و ... است. ادامه بقیه در ص ۲

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

بگذار کبوتر سپید صلح...

هرچه بیشتر این سیاست به کمبود بیش از پیش نیازمندی های عمومی مردم و متعاقبا افزایش تورم و گرانی می انجامد.

اکثریت مطلق مردم میهن ما با این دشواری ها مواجه هستند. اما بار سنگین آن بر دوش های ناتوان و رنجور زحمتکشان سنگینی می کند. افزایش سریع تورم و عدم افزایش دستمزدها باعث شده است که اقشار زحمتکش مردم محرومیت های بیشتری را متحمل شوند. این محرومیت ها، در تمام عرصه های زندگی، مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، آموزش... مشاهده می شود.

تنگنای مالی رژیم در تامین هزینه های جنگی و بویژه ناتوانی در تامین و تدارک تجهیزات کافی نظامی، موجب آن می شود که رژیم برای رسیدن به هدف های توسعه طلبانه اش سیاست خود را بیش از پیش بر تکیه بر "امواج انسانی" در مقابله با دشمن استوار سازد. درگیری های نظامی در ماه های اخیر به روشنی موید این امر است. میزان تلفات در این درگیری ها بی سابقه است.

رژیم فرزندان زحمتکشان شهر و ده، بویژه روستائیان را گروه گروه به کام نیستی و نابودی می کشاند. زحمتکشان قربانیان اصلی این فاجعه آفرینان جنایتکار هستند. باورهای پاک و صادقانه مذهبی این اقشار ملعبه دست جنایتکارانی است که لباس مذهب پرتن، داعیه برافراشتن پرچم اسلام بر فراز جهان را دارند.

عواقب ادامه جنگ ابعاد دیگری نیز دارد که باید بدان ها توجه داشت. قبلا اشاره کردیم که سران رژیم سیاست نظامی کردن اقتصاد کشور و تمام عرصه های زندگی را در پیش گرفته اند و هرآنچه را که به زعم آنها در خدمت جنگ نیست به تعطیلی می کشانند. اکنون ما شاهد آن هستیم که بسیاری از کارخانه های کشور که تولیدشان به مواد خام و پیش ساخته وارداتی متکی است، به علت عدم تخصیص ارز برای وارد کردن این اقلام، تولید را متوقف ساخته اند و یا بزودی متوقف خواهند ساخت.

بنا به نوشته روزنامه کیهان ۲۵ اردیبهشت ۶۵: "در صورت کاهش قیمت نفت و بروز محدودیت های ارزی، احتمال دارد که تولید بخش صنعتی کشور به میزان ۶۵ درصد کاهش پیدا کند."

هرچند که روزنامه یادشده خواسته است که فاجعه را با بیان کلماتی از قبیل "در صورت" و "احتمال دارد" پرده پوشی کند، اما واقعیت نشان می دهد که وقوع آن حتمی است.

ادامه هرچه بیشتر این روند، دامنه تعطیلی کارخانه ها را گسترش خواهد داد و رشته های بیشتری از تولید را در بر خواهد گرفت. نتیجه فاجعه بار چنین روندی توقف کامل تولید بسیاری از کالاهای ضروری مصرف عمومی است.

نتیجه منطقی چنین روندی، چرخش بسوی سیاست تکیه بر انحصارهای خارجی، بویژه فراخواندن کنسرن های بزرگ برای سرمایه گذاری در کشور و معامله با آنها است.

این امر نه تنها در عرصه تامین تجهیزات نظامی که در ماه های اخیر تشدید شده و بنحو آشکاری انجام می شود، بلکه در دیگر عرصه های تولید نیز به چشم می خورد. اگر رژیم در سال های اول جنگ که هنوز سلاح ها و تجهیزات نظامی انبار شده زیادی را در اختیار داشت و گاهگاه نیازهای خود را از تعدادی از کشورها و یا از بازار سیاه اسلحه تامین می کرد، اکنون مشاهده می شود که رژیم در پی آن است تا نیازهای خود را مستقیما از کشورهای امپریالیستی تولید کننده این سلاح ها تامین کند. تحولات اخیر در سیاست خارجی رژیم و نشانه های نزدیکی به این کشورها، نمایان تر از آن است که انکار گردد. مسؤلان درجه اول رژیم جمهوری اسلامی بارها میل رژیم را به چنین مناسباتی اعلام داشته اند.

احیاء وابستگی کشور در تمام عرصه های به امپریالیسم و تشدید آن، از عواقب شوم ادامه جنگ است. عواقب جنگ تنها در کوتاه مدت عمل نمی کند. بلکه شعاع آن دوران بازسازی و ترمیم خرابی های جنگ و بهبود وضع اقتصادی کشور را فرا می گیرد. بدین خاطر است که سیاست ادامه جنگ و تکیه بر امپریالیسم ابعاد فاجعه باری پیدا می کند.

رژیم ادامه جنگ را به چه قیمتی و به زیان کدام اقشار و طبقات مردم دنبال می کند؟ عدم اجرای اصلاحات ارضی، جلوگیری از ملی شدن تجارت خارجی و دیگر اصلاحات اجتماعی - اقتصادی و گسترش دامنه غارت سرمایه داران و زمین داران بزرگ،

گویای این واقعیت هستند که ادامه جنگ به نفع آنها و به زیان کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشان جامعه است. اکنون طیف گروه هایی که از سیاست ادامه جنگ زیان می بینند گسترش یافته و حتی لایه هایی از بورژوازی کوچک و متوسط را نیز دربر گرفته است. شاهد آن هستیم که ضدیت با جنگ وسعت گرفته و مخالفت ها آشکارتر شده است. فراتر از جبهه ها و خودداری از رفتن به سربازی اوج می گیرد. مردم دیگر همچون گذشته به جبهه ها کمک نمی کنند. اعتلای مخالفت عمومی با سیاست ادامه جنگ در خاکمیت ج.ا. نیز بازتاب یافته است. تعیین تکلیف خیمینی با مخالفان جنگ موید این امر است. ادامه جنگ موجب آن گشته است که این مسئله به امری حیاتی برای رژیم تبدیل شود.

رژیم، بقای خود را در چگونگی نتیجه این جنگ می بیند و هر روز که می گذرد، دورنمای پیروزمندی آن تیره تر می شود. همه چاره جویی ها برای یافتن راه برون رفت از بن بست جنگ است. راه "جنگ، جنگ، تا پیروزی" که رژیم در پیش گرفته، به منزله پرتگاه و سقوط دره عمیق ورشکست کشور، ویرانی و تجدید وابستگی ها به امپریالیسم است.

رژیم دستگاه های تبلیغاتی آن مردم را از نظر روانی برای چنین دورانی، برای دوران سخت تر، آماده می سازند. از ضرورت "اقتصاد جنگی" و نظامی کردن تمام عرصه های جامعه و اولویت دادن به نیازهای جنگی گرفته تا نحوه زندگی متناسب با دوران جنگ، در رسانه های گروهی و

برگزاری کنفرانس ملی...

قطعنامه ویژه درباره اوضاع جهان و ایران و وظایف حزب در مرحله کنونی، قطعنامه درباره کوشش در راه وحدت جنبش کمونیستی و کارگری ایران، پیام به به مردم ایران و بشریت مترقی درباره زندانیان سیاسی، پیام به زندانیان سیاسی، پیام کنفرانس ملی حزب توده ایران به مردم ایران، قطعنامه درباره همبستگی احزاب کمونیستی و کارگری با حزب ما، پیام به مردم قهرمان شیلی، پیام به حزب کمونیست عراق، پیام به کنگره ملی افریقا، پیام به حزب کار آنگولا، پیام به مبارزین ضد آپارتاید و نژادپرستی در افریقای جنوبی، پیام به کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان، پیام به خلق مبارز فلسطین و دیگر نیزوهایی که علیه امپریالیسم و ارتجاع مبارزه می کنند.

کنفرانس ملی در پایان کار خود کمیته مرکزی حزب توده ایران را پارای مخفی و با رای اکثریت قاطع آراء انتخاب کرد. سپس کمیته مرکزی جدید در اولین اجلاس خود هیات سیاسی و هیات دبیران حزب را با رای مخفی برگزید و رفیق علی خاوری را مجددا با اتفاق آراء به سمت دبیر اول حزب انتخاب کرد.

برگزار شدن موفقیت آمیز کنفرانس ملی حزب توده ایران که یکی از پرنسبندترین گردهم آبی های حزبی در ۲۸ سال اخیر بود، یکبار دیگر به وضوح نشان داد که حزب توده ای ما با آفرشته نگاه داشتن پرچم ظفرنمون مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری در جنبش کارگری میهن ما، ستاد رزم استوار طبقه کارگر و زحمتکشان ایران در مبارزه با امپریالیسم و ارتجاع است.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

مطبوعات و سخنرانی ها و... بطور گسترده تبلیغ می شود.

بطور مثال، مجله سروش در شماره های متعدد خود با چاپ کتاب "فرانسه در اشغال" که در آن وضعیت خواربار در دوران اشغال فرانسه توسط فاشیست های آلمانی ترسیم شده، در جهت آمادگی روانی می کوشد. در سرآغاز این کتاب آمده است:

"روز ۱۳ اکتبر ۱۹۴۱ تعداد زیادی از روزنامه ها یک آگهی بدین مضمون به چاپ می رسانند:

"گره خورها توجه! در این ایام سخت و دشوار، بسیاری از افراد گرسنه اقدام به کشتن و خوردن گره ها می نمایند... این زمانی است که در بازار لیون هر قطعه کلاغ ده فرانک به فروش می رسد... زمانی است که در "بورگو" رقم کبوترهای میدان "پیرلافت" ۸۹۶ عدد رسیده بود در حالی که پیش از این رقم آنها به ۵۰ هزار عدد می رسید... (سروش شماره ۲۲۲، ۲۰ فروردین ۱۳۶۵).

گسترش دامنه ضدمات و زیان هائی که در اثر جنگ و ادامه آن بر کشور ما وارد آمده و می آید، بقیه در ص ۵

طرحی برای «جذب» یک و نیم میلیون نفر ایرانی مقیم خارج

در اواخر اردیبهشت ماه نخست وزیر طی یک گفتگوی مطبوعاتی تصمیم شورای سیاسی دولت "در رابطه با جذب ایرانیان خارج از کشور" را تشریح کرد. در پی آن کارزار تفسیر و تحلیل و تبلیغ پیرامون آن در سطح گسترده ای در رسانه های گروهی آغاز گردید.

نخست وزیر برای جلب و جذب "حدود ۵۰ میلیون نفر" ایرانیان مقیم خارج اعلام داشت که طرح های جامعی توسط وزارتخانه های خارجه، اطلاعات، کشور و ارشاد اسلامی... در حال تهیه شدن است" (جمهوری اسلامی ۲۴ اردیبهشت). در این رابطه حتی از به راه انداختن "تورهای توریستی" سخن به میان آورد. تورهایی که وظیفه دارند "باورهای قلط" را "از ذهن ایرانیان خارج از کشور" بیرون کنند. در شرایط کنونی، از تصمیم گیریهایی از این دست چنین برمی آید که دولت می خواهد به اصطلاح گام هایی در راه ایجاد "فضای باز سیاسی" بردارد. "فضای باز"ی همانند آنچه که رژیم شاه نیز پس از تشکیل حزب فرمایشی و شه فرموده "وستاخیز" درباره آن حنجره درانی کرد.

تحلیل های متضادی که پیرامون تصمیم اخیر دولت در مطبوعات به چاپ رسید و برخوردها، موضع گیری ها و درگیری های گوناگونی که شکل گرفت، چمکنی نمایانگر سردرگمی و بی برنامگی رژیم و اختلاف های جناح های مختلف حاکمیت است. در حالی که جناحی با استدلال های کج و معوج خود دامنه دعوت نخست وزیر را تا سطح دعوت "مخالفتین فکری - سیاسی" (کیهان ۲۴ اردیبهشت) ارتقاء می دهد، جناح دیگر ضمن آنکه به همه کسانی که به علل و انگیزه های گوناگون چلای وطن کرده اند، برچسب "خارجیان ایرانی" می زند، "اقدام" اخیر دولت را یک "اشتباه سیاسی" قلمداد کرده، خواهان "تجدیدنظر در تصمیم آن است" (ج ۱۰، ۲۵ و ۲۸ اردیبهشت).

در ماهیت امر، رژیم با اعلام این طرح و تصمیم سه هدف عمده را دنبال می کند:

الف - نشان دادن به اصطلاح "ثبات سیاسی" رژیم؛

ب - ایجاد به اصطلاح فضای باز سیاسی؛

ج - جلب سرمایه داران و مالکان و ساواکی های فراری؛

د - جذب نیروهای متخصص.

بجاست درباره هریک از این هدف ها بیشتر صحبت کنیم. به نظر ما دعوت از ایرانیان خارج از کشور به هیچ وجه بیانگر "ثبات سیاسی" رژیم نیست. زمانی می توانست از این قبیل تصمیم گیریها "ثبات سیاسی" رژیم را نشان دهد که دولت سیاست و برنامه اقتصادی - اجتماعی منسجم و هماهنگ و یکپارچه ای می داشت و از پایگاه توده ای گسترده ای برخوردار می بود. و این بنیان تیغ تروز و اختناق را غلاف می کرد و حداقل با احیای آزادی های دموکراتیک، احزاب

و سازمانها و نیروهای سیاسی گوناگون را به فعالیت آزادانه فرامی خواند. حال در شرایطی که رژیم هر روز تلاش می ورزد به قیمت هزاران تبهکاری و آزادی کشتی پایه های متزلزل نظام مدافع کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان را در خون بهترین فرزندان خلق استوار سازد و نیز در شرایطی که بحران ژرفی سراپای جامعه را فرا گرفته، "ثبات سیاسی" چه معنا و مفهومی می تواند داشته باشد.

جالب اینجاست که روزنامه کیهان برای به ثبوت رساندن "ثبات سیاسی" رژیم، به ویژه "گسترش روابط تجاری و صنعتی" با کشورهای امپریالیستی را نوعی "اعتراف" به "ثبات و اقتدار سیاسی" تعبیر می کند. تنها مغزهای علیل و ابستگی هرچه بیشتر اقتصادی به امپریالیسم را به نام "ثبات و اقتدار سیاسی" قلمداد می کنند، سیاه را سفید جلوه می دهند و نمی خواهند ببینند که امپریالیسم زمانی به تحریم اقتصادی کشور ما پایان داد و شروع به "اعتراف به ثبات سیاسی" رژیم کرد که رهبران مرتجع جمهوری اسلامی به آماج های مردمی و ضد امپریالیستی انقلاب خیانت کردند.

درباره ایجاد اصطلاح "فضای باز سیاسی" چه می توان گفت؟ در شرایطی که هر بانک اعتراض و مخالفت علیه سیاست و عملکرد رژیم با مشت و کلوله دستبند و زندانی پاسخ داده می شود و دهها هزار تن از بهترین فرزندان خلق بخاطر آزادی و استقلال و عدالت اجتماعی و صلح در زندان ها و سیاه چالهای رژیم بسر می برند، از کدام "فضای باز سیاسی" می تواند حرفی در میان باشد. نیروهای مترقی و انقلابی ماهیت تبلیغات پرمیاهوی رژیم را درمی یابند و اسیر هیچگونه توهمی نخواهند شد. برای اعضا و هواداران احزاب و سازمان های انقلابی روشن است که با رژیم تبهکار و ضد خلقی "ولایت فقیه" که به منافع خلق و انقلاب خیانت کرده است، نمی توان از درآشتی درآمد.

برای نیروهای انقلابی اساسا یگانه شرط و پایه قضاوت، همخوانی حرف و عمل و صداقت در کردار است. شعارها هر چند زیبا و خوش طنین باشند، اگر جامه عمل به خود نباشند، از هرگونه ارزش سیاسی و اجتماعی تهی می شوند.

نخستین گام در راه ایجاد "فضای باز سیاسی" کشودن در زندانها و آزادی فرزندان بی گناه خلق است. تا وقتی که زندانها انباشته از دگراندیشان است و تعقیب و پیگرد و شکنجه پدید می کند و مردم از ابتدایی ترین آزادیهای دموکراتیک محروم هستند و نهادهای سرکوبگر و اطلاعاتی رژیم شب و روز سرگرم توطئه پردازی علیه نیروهای انقلابی هستند، شعار "بازگشت ایرانیان خارج از کشور"، "تحمل" هر گروه و سطرمان که، "قصد محاربه و براندازی نظام را نداشته باشد" حرف مفتی بیش نیست.

بخش چشمگیری از ایرانیان خارج از کشور را

مهاجران سیاسی تشکیل می دهند. علل و انگیزه هایی که باعث مهاجرت اعضا و هواداران احزاب و سازمانهای سیاسی مترقی و انقلابی و گروه وسیعی از هم میهنان به خارج شدن از کشور شده است، به هیچ وجه با علل و انگیزه های وابستگیان به رژیم ساقط شده شاه یکی نیست.

مهاجرت نیروهای انقلابی و مترقی از خیانت رهبران مرتجع جمهوری اسلامی به آماج های انقلاب و سیاست ضد مردمی رژیم سرچشمه می گیرد. حال آنکه وابستگیان به رژیم سابق از بیم خلق و انقلاب گریختند. امروز وقتی همگان شاهد آنند که گروه گروه کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و ساواکی های فراری در پرتو امنیتی که رژیم برایشان فراهم ساخته به کشور بازمی گردند و اموال مضارده شده خود را بازمی می گیرند و رژیم علیه کارگران و زحمتکشان و مدافعان آنها دیکتاتوری خونین را اعمال می کند، چگونه می توان به در باغ سبز نشان دادن های رژیم باور داشت. وقتی رژیم از یکسوی پناهگاه امن ساواکی ها گردد و رفسنجانی با افتخار اعلام کند که حتی یک ساواکی در زندان نداریم و در عین حال پیکارگران آزادیخواه و ضد امپریالیست و صلحدوست پایشان در زنجیر بماند ماهیت دعوت رژیم بیش از پیش آشکار می شود.

یکی از دیگر هدف های عمده رژیم از دعوت ایرانیان خارج از کشور جلب سرمایه داران و مالکان فراری و وابستگیان به رژیم سابق است. رژیم که با بحران اقتصادی و ورشکستگی مالی روبروست، می خواهد سرمایه داران فراری را با سرمایه های عظیم غارتی شان به کشور بازگرداند و به کمک آنها اقتصاد کشور را "شکوفان" سازد. روند تلاش برای جلب سرمایه های خارج شده از کشور، اساسا از سال ۶۱ با سخنان مهم خمینی آغاز شد. وی در پیام سال ۶۱ گفت:

"دیگر نباید بگویم، حال انقلاب است نه دیگر حال آرامش است... حال این است که مردم مطمئن باشند و نسبت به همه چیزشان اطمینان داشته باشند. سرمایه هایشان را بکار اندازند و نسبت به سرمایه هایشان اطمینان داشته باشند... و دیگر هیچکس از آمدن به وطن خود نترسد، بپایند و بفهمند که در اینجا مساله ای نیست. با کمال آرامش مشغول به کار شوند. و نترسند از اینکه یک وقت سرمایه هایشان را می گیرند. خیر، ما بر آن نیستیم که سرمایه مردم گرفته شود. سرمایه مردم مال خودشان است و آن را بکار بیندازند و کسب بکنند و کشور را اداره و تقویت بکنند. و دولت هم پشتیبان آنهاست و باید باشد."

درباره جذب نیروهای متخصص همین کافی است بگویم اگر واقعا مسئله استفاده از نیروهای متخصص و کارزان است، چرا در درجه اول از دهها هزار متخصص و کارشناس دگراندیشی که در وزارتخانه ها و ادارات و نهادهای گوناگون دولتی پاکسازی شده اند، استفاده نمی شود؟ در حالی که به نوشته "کیهان" رژیم حتی "نیروهای فقیه در ص ۵

بیاموزیم - تبلیغ کنیم - سازمان دهیم

خانه «امن»

یکی از روشهای پیشگیری و مقابله با خطرهای احتمالی ناشی از تعقیب و مراقبت، چگونگی یافتن و حفظ "خانه امن" است. در این رابطه، همواره باید به نکات زیر توجه داشت:

* موقعیت محلی خانه امن یا بیاپه منطقه مسکونی، حساسیت پلیس نسبت به آن محل، اماکن عمومی، نهادها و قرارگاه‌های نظامی، انتظامی و اطلاعاتی دشمن و میزان تردد مردم و طبعاً ماموران امنیتی در آن منطقه از عواملی مهمی هستند که باید در ارزیابی منطقه خانه امن به آنها توجه شود.

* باید از سابقه خانه‌ای که به عنوان خانه امن استفاده شود، اطلاع کافی در دسترس باشد. مثلاً باید دانست، آیا قبلاً این خانه بخاطر سکونت یک عضو انقلابی تحت نظر بوده است یا نه؟ آیا فردی از ساکنان آن خانه دستگیر و زندانی شده است، یا نه؟

البته تذکر این نکته نیز ضرور است که حساسیت بیش از حد، قبل از اجاره کردن خانه می‌تواند سبب پراختیختن سوظن شود. خانه‌های نوساز این مشکل را ندارند. باید تلاش ورزید تا خاند بدون واسطه یعنی بدون مراجعه به محضر و بنگاه تهیه شود و بصورت رهن کامل نباشد.

* موقعیت خانه نسبت به دیگر واحدهای مسکونی نیز باید مد نظر قرار گیرد. تا سر حد امکان بهتر است خانه‌های مورد استفاده قرار گیرد که از دور و اطراف کمین گاهی برای دید و کنترل نداشته باشد و در مواقع اضطراری راه‌های فرار مناسب داشته باشد. بخاطر پنهان ماندن هر چه بیشتر رفت و آمدها و جابجایی اسناد و وسایل کار حتی الامکان باید سعی شود واحد مسکونی آپارتمانی در طبقه هم کف باشد که بتوان به سادگی از امکانات پارکینگ استفاده کرد. مستقل بودن خانه، کمک شایانی به نحوه استفاده هر چه فعالتر و مطمئن تر از آن می‌کند.

* نحوه زندگی و رفت و آمدها و نشست و برخاستها در محیط زندگی باید با موقعیت شغلی و اجتماعی واقعی یا ساختگی ساکنان خانه امن همخوانی داشته باشد. باید تمام رفت و آمدها به خانه امن طبیعی و قابل توجیه باشد. تا آنجا که امکان دارد بایستی سعی کرد که با توجیهاات مناسب از تردد اعضا خانواده و خویشاوندان به خانه امن جلوگیری کرد و روابط خانوادگی را به عنوان پوشش ارتباطی مورد استفاده قرار نداد.

باید نقل مکان به خانه امن به مطمئن ترین شکل ممکن و با تدارک قبلی و فراهم کردن محل گوناگون انجام گیرد تا هنگام اسباب کشی، مبارز پنهانکار تحت پیگرد و مراقبت قرار نگیرد.

* باید نبض اوضاع و احوال محل را همواره در دست داشت و با پیش بینی‌های لازم، در صورت لزوم در اسرع وقت از بروز خطرات احتمالی

جلوگیری به عمل آورد.

* وقتی به خانه امن می‌روید باید هیچ رنی در پشت سر خود باقی نگذارید. گاهی اتفاق می‌افتد که دشمن فرد تحت نظر خود را بخاطر جابجایی و رفتن به خانه امن کم می‌کند، ولی با سرنگهای دیگری که از او دارد همانند شماره اتومبیل یا آدرس محل کار یا یکی از محل‌های تردد او، بعد از مدت کوتاهی دوباره موفق می‌شود او را در تور تعقیب و پیگرد خود قرار دهد. در این رابطه از جمله باید یاد آور شد که مبارز پنهانکار اگر پیش از رفتن به خانه امن از اتومبیلی استفاده می‌کند که برای دشمن شناخته نشده است، باید همزمان با جابجایی خانه، آنرا نیز عوض کند. این مهم در مورد محل کار و دیگر امکانات شناخته شده برای دشمن نیز صدق می‌کند. از خانه امن به محل‌هایی که قبلاً رفت و آمد داشته و به نحوی امکان دارد که شناخته شده باشند، باید اجتناب ورزید.

* اگر رفتاری به خانه امن مراجعه می‌کنند، همخانه‌های دیگر همانند همسر یا مادر و یا رفیق دیگر، تنها در صورت ضرورت باید از رفت و آمدها اطلاع یابند. تا سر حد امکان باید تلاش شود نظم رفت و آمدها، اسم واقعی رفتاری مراجعه کننده و چهره آنها برای دیگر ساکنان خانه شناخته نشوند.

* رفت و آمدها به خانه امن از نظر تعداد و ترکیب باید شک پراکنگ نباشد. در عین حال تیپ اجتماعی و سرو وضع رفت و آمد کنندگان بایستی با موقعیت محلی و اجتماعی خانه امن هم‌خوان باشد.

* هر فرد مراجعه کننده به خانه امن باید از طریق دریافت سلامتی از امنیت خانه اطمینان یابد و سپس پا به داخل خانه بگذارد. هنگام ورود به خانه بایستی رفتاری کاملاً طبیعی داشت

* در داخل خانه امن همه چیز باید دارای توجیه منطقی باشد و هر وسیله کار مخفی یا سند و مدرک در جاسازی مطمئن نگهداری شود. هیچگاه نباید اسیر این خوش خیالی شویم که چون خانه، خانه امن است پس دیگر ما مجاز هستیم خود را بی‌نیاز از جاسازی احساس کنیم.

* شبها، وقتی که اتومبیل خود را پارک می‌کنیم، مرکز نباید اسناد و مدارک رد دار در داخل ماشین هر جای بگذاریم. موارد بسیاری دیده شده است که ماموران اطلاعاتی دشمن بخاطر آنکه نسبت به فرعی سوظن پیدا کرده‌اند، شب هنگام با باز کردن در وسیله نقلیه، آنرا دقیقاً مورد بازرسی قرار داده‌اند.

* رفت و آمد کنندگان به خانه امن جز در موارد خاص و بنا به ضرورت معین مرکز نباید اتومبیل خود را در مقابل خانه امن پارک کنند.

با عملکرد اصولی و هشیارانه، حربه ارگانهای «امنیتی» را کند سازیم

به تناسب تغییر شرایط سیاسی - اجتماعی به زبان خاکبیت ج.ا. و سنگین تر شدن کفه نیروهای انقلابی و مترقی در عرصه‌های گوناگون مبارزه طبقاتی و در راه سرنگون ساختن رژیم، ارگان‌های اطلاعاتی و «امنیتی» دامنه فعالیت خود را به طرز کاملاً ملموسی گسترش داده‌اند. رديابى و پیگرد فعالان انقلابی از سویی و شکنجه زندانیان سیاسی برای دستیابی به اطلاعات و کشف حلقه‌های گم‌شده سازمانی از سوی دیگر، شدت بیشتری یافته است.

در شرایطی که روز به روز دامنه فعالیت هسته‌های مخفی در داخل کشور چشمگیرتر می‌شود، رژیم با استفاده از امکان‌های گسترده‌ای که در اختیار دارد تلاش می‌کند تا با شیوه‌های گوناگون، از جمله نفوذ در درون سازمان‌های انقلابی، کنترل دقیق نامه‌ها و تلفن‌ها، زیر نظر گرفتن روابط افراد - به ویژه کسانی که سابقه مبارزه سیاسی دارند - و کشف چگونگی ارتباط عناصر فعال سازمان‌های انقلابی در داخل و خارج از کشور، نیروهای مترقی را تحت محاصره قرار داده و دیگر پارپورش وسیع خود را علیه آنان آغاز کند.

با درک این واقعیت، هر چه عمل انقلابی و نوع برخورد مبارزان انقلابی، به ویژه اعضا و هواداران حزب و سازمان - چه در داخل و چه در خارج از کشور - پخته تر، آگاهانه تر و سنجیده تر و سازمان یافته تر باشد، دایره اطلاعات رژیم محدودتر می‌شود، و هسته‌های مخفی در معرض خطر کمتری قرار می‌گیرند. باید

مسئولانه برخورد کرد و با هشیارای تمام از پخش اطلاعات درون سازمانی - چه مربوط به گذشته و چه مربوط به حال - حتی "اطلاعات سوخته"، و هر چند جزئی و بی‌اهمیت، جلوگیری کرد. کار هسته‌های حزبی و اعضا و هوادارانی که بطور منفرد فعالیت می‌کنند، افشاء رژیم، آگاه سازی و متشکل ساختن توده‌ها و سازماندهی مبارزه آنان برای دفاع از منافع طبقاتی خود، دستیابی به آزادی‌های دمکراتیک، پایان دادن به جنگ امپریالیسم و ارتجاع برافروخته، کوشش برای رهایی زندانیان در بند، تحت حمایت قراردادن خانواده‌های زندانیان سیاسی، ... و سرانجام سرنگونی رژیم است. باید تمام این کارها با هشیارای تمام انجام گیرد و کوشش شود تا با

بقیه در ص ۵

تلفیق هشیارانه کار مخفی و علنی در شرایط کنونی
یک وظیفه انقلابی است!

به مامی نویسنده

بحث سیاسی ممنوع

بحث سیاسی در محیط کار ممنوع است. این شعاری است که همواره با پخشنامه های متعدد وزارت کار و وزارت ارشاد اسلامی با حروف درشت پر در و دیوار بسیاری از کارخانه ها دیده می شود. حتی معمولی ترین صحبت ها به عنوان بحث سیاسی تلقی می شود. بویژه در شرایط کنونی که چرخ بسیاری از کارخانه ها در حال باز ایستادن است. حداقل تنبیه کسانی که "بحث سیاسی" می کنند بیکاری است. همچنین کارگرانی که از رفتن به جبهه خودداری می کنند دچار چنین بی آمدی می شوند. رژیم به این وسیله می کوشد تا با اعمال شیوه سرکوب و اختناق کارگران را از مبارزه برای دستیابی به حقوق صنفی و سیاسی خود باز دارد، اما کارگران آگاه و انقلابی با استفاده از هر فرصتی به افشا سیاست رژیم می پردازند.

یک "موهبت الهی" برای کارگران بی سواد "خجسته" مدیر امور اداری کارخانه ایران ناسیونال طی سخنرانی مفصلی در محل سالن غذاخوری این واحد گفت:

با عملکرد اصولی...

احتراز از هر عمل غیر اصولی و ناشایسته، به دشمن برگه ای داده شود و توطئه های خنثی گردد. ای بسا کسانی که از سرنا آگاهی ویا برای مهم جلوه دادن خود مسایلی را بر سر زبان آورند که جز ایجاد خطر برای دیگران نتیجه ای در پی نخواهد داشت. کارشناسان پلیسی - نظامی پیوسته در جستجوی آن هستند تا بابت دست آوردن سرخ و ربط دادن جزئیات به هم، زمینه کشف و متلاشی ساختن هسته های مخفی را فراهم سازند. تنها با برخورد اصولی و محتاطانه مبارزان است که حربه ارکان های "امنیتی" کند می شود و احزاب و سازمان های انقلابی می توانند نیروی بیشتری برای گسترش دامنه عملکرد خود در میان توده ها کسب کنند.

بر اساس خبرهای رسیده، گروهی از کادر رهبری دربند توده ای که پیش از این در زندان مجهولی بسر میبردند، اخیرا به اوین منتقل شده اند و دیگر بار زیر مهمیز بازجویی و تعزیر قرار گرفته اند. نه تنها این گروه، بلکه بخش وسیعی از رفقای توده ای و اکثریتی مشمول بازجویی و تعزیر مجدد شده اند. همچنین "دادستانی انقلاب" کسانی را که از زندان مرخص شده اند به قسمت اطلاعات و جمع آوری اخبار سپاه احضار می کند و از آنها می خواهد پرسشنامه ای را که بالغ بر ۸۰ سؤال در آن گنجانده شده است، پر کنند. به ویژه رژیم می خواهد از طریق این پرسشنامه ها به چگونگی روابط خانوادگی زندانیان سیاسی و نیروهای

"بدنبال ارزان شدن قیمت نفت دولت تصمیم گرفته که نفت کمتری بفروشد و در نتیجه بودجه ما نیز برای خرید قطعات یدکی کم شده است. بنابراین این تصمیم گرفته شده که از میزان تولید کاسته شود."

در اجرای این سیاست قرار است ۲۰۰۰ نفر از کارگران ایران ناسیونال بصورت نیمه وقت کار کنند. بنا به گفته شخص یاد شده "ما این سه هزار نفر را از میان کارگران بی سواد انتخاب کرده ایم و این یک موهبت الهی است که کارگران بتوانند با استفاده از این فرصت با سواد شوند."

هدسأر به کارگران

رژیم ماموران اطلاعاتی خود را به عنوان کارگر به درون کارخانه های فرستد تا افراد مترقی و انقلابی را شناسایی کنند. یکی از این ماموران در حال مستی گفت: ما به افراد شاه دوست و دختر باز کاری نداریم، بلکه در جستجوی امثال توده ایها، فدائی ها هستیم.

شعبده بازی در "سرما آفرین"

در جریان بازدید هاشمی (وزیر سابق صنایع) از کارخانه "سرما آفرین" (توموفزیک سابق)، مدیر این واحد طی یک مصاحبه تلویزیونی که در حین فیلم برداری از کارخانه انجام شد، اعلام

مبارزی پی برد. باید ضمن پشتیبانی از خانواده زندانیان سیاسی و سازماندهی مبارزه آنان، اسلوب مبارزه مخفی را آن چنان به کار بست که رژیم قادر به شناسایی فعالان انقلابی نگردد. همچنین باید دانست، کم نیستند از زندانیان آزاد شده ای که دیگر بار به بند کشیده شده اند. از بسیاری نیز وثیقه ملکی سنگینی گرفته اند و آنها را موظف ساخته اند که هر هفته ویا پانزده روز یکبار خود را معرفی کنند و ... علت چیست؟ بی هیچ تردیدی باید گفت که وحشت رژیم از گسترش فعالیت نیروهای انقلاب سبب اتخاذ چنین تدبیرهایی شده است. باید با تمام قوا با توطئه های رژیم مقابله کرد. باید از کنجکاوای در کار کسانی که گمان می رود دست اندرکار مبارزه هستند سر باز زد و از اظهار نظر درباره آنها در محافل گوناگون، و به این وسیله چلب کنجکاوای چشم و گوش های رژیم، احتراز جست.

باید اطلاعات و اخبار شخصا از کانال مطمئن و مشخص حزبی در اختیار رهبری قرار گیرد، ولاغیر.

وظیفه هسته های حزبی است که با سیاست کامل و همه جانبه اصول کار مخفی، راه را بر ماموران اطلاعاتی و عناصر سرکوبگر سد کنند و امر مبارزه را پیگیرتر از همیشه به پیش ببرند. وظیفه همه اعضا و هواداران حزب در داخل کشور است تا با درک اهمیت لحظه، و احساس مسئولیت هر چه بیشتر و گرفتن رهنمود شخصی سازمانی، فعالیت های خود را با مبارزان داخل کشور هر چه بیشتر هماهنگ سازند.

کرد: خطهای چیلر و فن کوئل کارخانه در حال تولید است و خط جدید دیگری جهت انجام سفارش های نیروگاه برق شهید رجائی (واقع در قزوین) در حال راه اندازی است. در حین مصاحبه، شبکه سراسری تلویزیون کارگران را در حال کار در خطوط سابق و خط جدید نشان می دهد.

اما اینها همه صحنه سازی بود. در آن هنگام تنها قسمت های سفالی و ورق کاری - به دلیل آن که هنوز مقداری ورق در انبار کارخانه موجود بود - به کار مشغول بودند و دیگر قسمت ها، به دلیل فقدان مواد اولیه، کلا و یا بطور عمده از بقیه در ص ۶

بگذار کبوتر سپید...

هر روز طیف های وسیع تری از مردم را به مخالفت با این سیاست بر می انگیزد. اگر چه مخالفت ها به طرق و اشکال گوناگون ابراز می شود اما هنوز تبدیل به یک جنبش وسیع ضد جنگ و صلح طلبانه نشده است.

هر چند که توده ای مردم صدمات جنگ را با گوشت و پوست خود لمس کرده اند، لحظات و ساعت های فراوانی را در هراس فرود بمب های دشمن، روزها و ماه های فراوانی را در سوگ عزیزان خود نشسته اند، با این حال هنوز بایستی آمدهای شوم این جنگ را در ابعاد گوناگون پرایشان توضیح دادو به آنها آموخت که بدون مبارزه متشکل و سازمان یافته رژیم به صلح تن در نخواهد داد. باید شعار تحریم کبک به جبهه ها و باز داشتن جوانان از رفتن به جنگ را به میان توده ها برد. باید اعتراض های خودپوی مردم علیه جنگ را که در نواحی مختلف صورت می گیرد به جنبش متشکل و قدرتمند مبارزه در راه صلح عادلانه سازمان داد. این وظیفه درنگ ناپذیر است.

باید تمام عرصه ها را بر رژیم تنگ کرد تا علا از ادامه جنگ باز بماند. این کار بدون فعالیت مستقیم و هدفمند نیروهای انقلابی، بویژه اعضای حزب ما در جهت افشای عواقب جنگ و ضرورت برقراری صلح مقدور نیست. بگذار کبوتر سپید صلح به جای جغد شوم جنگ بر بام های ایران آشیانه کند.

طرحی برای «جذب»...

مسلمان و مهارزی را که انتقاداتی به برخی از روشهای جاری دارند" تحمل نمی کند و شامل تصفیه می سازد. دیگر دعوت از متخصصان دگراندیش نمی تواند پایه و اساس جدی داشته باشد.

کلام آخر این که، تصمیم اخیر "شورای عالی سیاسی دولت"، بخاطر ماهیت ارتجاعی رژیم، اساسا در خدمت جذب هر چه بیشتر کلان سرمایه داران فراری و وابستگان رژیم سابق و فرام کردن "امنیت" برای آنهاست تا با خیال راحت سرمایه هایشان را پیکار اندازند.

به مامی نویسند

کار افتاده بود. مدیر کارخانه برای صحنه سازی دستور داد تا تعدادی چیلر و فن کوئل را که قبلا تمام مراحل تولید را گذرانده و برای فروش تحویل انبار شده بودند، به سالن تولید بازگردانند و قطعات آن ها را از هم جدا سازند. هنگامی که وزیر سابق به کارخانه وارد شد، خط تولید در قسمت های لازم بکار افتاد، دوربین های فیلمبرداری کار خود را آغاز کردند و بدین ترتیب یک نمایش دروغ مبنی بر فعال بودن خط تولید در این کارخانه برای شبکه سراسری تلویزیون تهیه شد.

هفت خوان استخدام در "دخانیات"

"پس از یک عمر بیکاری و دریدری که دیگر داشت چاتم به لیم می رسید، برای استخدام به "دخانیات" رفت. طبق معمول ابتدا مراسم و جیم کردند. بعد از من مدارک خواستند. پس از تهیه مدارک و معرفی، سرموعده دفتر دخانیات رفتم. به من گفتند: یاشو وضو بگیر و نماز بخوان ببینیم! پاشدم، وضو گرفتم همانجا و در حضور جناب مدیر عامل، رئیس انجمن اسلامی و... چند رکعت نماز خواندم. نمازم را به زحمت قبول کردند. بعد نوبت رسید به سئوالات فقهی و احکام: خوب بگو چرا کفن مرده را بعد از غسل از پایین، وسط و بالا با تکه پارچه ای می بندند؟ گفتم: نمی دانم. گفتند: چرا؟ تو چطور مسلمانی هستی که این مسائل را نمی دانی؟ خوب حالا برای اینکه مسلمان بشوی می روی و مقداری نوار خام می خری و می آوری و به یکی از برادران بسیج یا سپاه مسجد محله تان می دهی تا برای شما موعظه کند. و بعد ضمن اینکه مرتب به مسجد نزد برادران بسیجی خواهی رفت، شب ها هم مرتب این نوارها را گوش خواهی داد. اگر قرار شد اینجا بیایی و کار کنی، شما را به یکی از برادران بسیج کارخانه معرفی می کنم تا به شما این مسایل را یاد بدهد. آن وقت یک فرم هم هست که باید پر کنی. گفتم: چه فرمی؟ گفتند: خودت بعدا می فهمی. فعلا این مدارک را بردار و برو قسمت گزینش تحویل بده و توی نوبت باش. یادت نره که شاعر گفته: شستشویی کن و آنکه به خرابات خرام.

مدارک را به گزینش تحویل دادم. قرار شد از مسجد محل و جاهای دیگر تحقیق کنند و بعدا به من خبر بدهند. در واقع به یک معنا من اکنون دوران شستشو را می گذرانم و اینطور که از مقدمه کار پیداست لابد "عنداللزوم" برای اثبات مسلمانی ام باید به جبهه بروم. نمی دانم اگر از همه خوان ها بگذرم، از خوان جبهه هم می توانم بگذرم و به آغوش خانواده ام بازگردم و وارد کارخانه بشوم یا نه؟ از یک طرف وضع زندگی خانواده ام و فشار ناشی از بیکاری کمرب را شکسته است و احساس می کنم رشته هایی نامرئی مرا به این سمت می کشد. از سوی دیگر از

حادثه چرنوبیل و تبلیغات دیوانه وار امپریالیستی

نشد چون وسعت دامنه تشعشات رادیو اکتیو آنچنان نبود که برای خارج از این حریم زمان آور باشد.

حادثه نشان داد که رسانه های خبری دنیا ی امپریالیستی و دولتها ی این کشورها تا چه حد از نظر اخلاقی سقوط کرده اند که حتی مرگ دو نفر در نخستین ساعات، آنان را را ضعیف نمی کرد و آرزو داشتند که تعداد کشته شدگان نه دو نفر بلکه همانطور که روز اول ادعا و تأکید می کردند، دو هزار نفر باشند تا بتوانند به چنجال تبلیغاتی خود وسعت بخشند و از مرگ انسان ها از سوئی برای بی اعتبار کردن سیستم سوسیالیسم و از سوی دیگر برای تظہیر سرمایه داری جهانی بهره برداری کنند. آنان در رسانه های گروهی، پارها و پارها این آرزوی خود را بصورت پیش بینی فلان دانشمند یا پیمان موسسه آمریکائی به خورد مردم دادند. چالب آله اظهار نظر دانشمندان بر جسته غرب پیرامون بی پایکی این همه میا هو کوچکترین اثری بر دستگاههای تبلیغاتی الهام گیرنده از "سیا" نگذاشت. مثلا هنگامیکه پروفیسور پرلن رئیس " سرویس مرکزی حفاظت علیه تشعشات یونیزاسیون " فرانسه در تلویزیون اعلام کرد که میزان تشعشات خارج از محدوده تعیین شده در اطراف کارخانه بسیار پائین تر از حد خطرناک است، مجریان برنامه با او در گیری لفظی پیدا کردند. که چرا این دانشمند گفته های مغرضانه آنها را تأیید نمی کند

بالاخره پس از پانزده روز چنجال و نمایش، شورای وزیران بازار مشترک وارد صحنه شد و به مدت بیست روز واردات گوشت و سبزی و لبنیات از کشورهای اروپای شرقی را به بازار مشترک ممنوع کرد. شاید قسمتی از این میا هو، صر فنظر از جنبه تبلیغاتی ضد شوروی آن به منظور ایجاد محملی برای این ممنوعیت بود.

چالتر از همه در این میان موضع جمهوری اسلامی ایران بود که رسانه های گروهی آن، بدون اینکه بدرستی بدانند صحبت بر سر چیست، با نقل قول از خبرگزاری ها و روزنامه های غربی در انتقال وحشت ساختگی به ایران، و شرکت در کار زار شوروی ستیزی، از قافله عقب نماندند.

راستی کسانیکه در برابر خروج چند صد یا چند هزار متر مکعب دود و بخار رادیو اکتیو این چنین به وحشت می افتند و با زیر پا گذاشتن ابتدائی ترین اصول اخلاقی، جهان را پوحشت می کشند، چگونه در برابر هزاران موشک اتمی یا تیدرونی با قدرتی چندین صد برابر بمب هیرو شیما، و قابل انفجار در هر لحظه، هیچ گونه ابراز ناراحتی نمی کنند. بمب هائی که کوچکترین آنها می تواند خطراتی هزاران برابر حادثه چرنوبیل ایجاد کند و فضای زمین را آنچنان بیابان کند تا سالها و حتی قرنها زندگی در آن مقدور نباشد. راستی چرا؟

هنگامیکه سانحه ای طبیعی چون سیل، طوفان، زلزله و یا حوادثی مانند تصادف قطار راه آهن، سقوط هواپیما و غرق یک کشتی، موجب مرگ یا مصدوم شدن انسانها شود، معمولا احساس همدردی جامعه بشری را بر می انگیزد و از اکناف جهان سیل پیامهای همدردی و ارسال انواع کمک به سوی منطقه آسیب دیده سرازیر می شود.

این بار حادثه ای در یک کشور سوسیالیستی، نه تنها در جهان غرب احساس همدردی و تعاون بر نیانگیخت بلکه موضوعی برای تشدید کارزار شوروی ستیزی شد. برای حادثه ای نه چندان بی اهمیت ولی بهر حال با دامنه محدود، که منجر به مرگ چند تن و جراحت شدید حدود سی نفر شده است، چنان چنجال تبلیغاتی پراه انداخته شد که در تاریخ شیوههای تبلیغاتی غرب بی سابقه بود کلیه خبرگزاری های غربی روز و شب در این باره داد سخن دادند و هر دروغی را که برای ایجاد وحشت در میان مردم از همه جا بی خبر، لازم بود از قول این یا آن شاهد عینی (!) یا با نقل قول از دانشمندان نا شناس جعل کردند و روی آنتن رادیو تلویزیونها و صفحات چراید بردند و برای آنکه در غرب هیچ کس از این حادثه اسفبار متأثر نشود، چنان جو وحشتی ایجاد کردند که هر کس فقط به فکر حفظ جان خود باشد. در مدتی کمتر از چند ساعت قرص های ید در داروخانه های دانمارک نایاب شد و در سایر کشورها نیز همه منتظر پیام های این حادثه بودند. رسانه ها مسیر باد و حرکت ابر های رادیو اکتیو را از چرنوبیل به فنلاند و دانمارک و سوئد و باز گشت آنها را به اروپای غربی و سپس یونان و ایتالیا و جنوب فرانسه ساعت به ساعت دنبال میکردند. حتی شماره های تلفنی را در اختیار شهر وندان خود قرار داده بودند که از طریق آن بتوانند در هر لحظه اطلاع لازم را در مورد میزان رادیو اکتیویته محیط کسب کنند!

واقعیت اینست که حادثه بی اهمیت نبود: در یکی از بلوکهای یک نیروگاه هسته ای، حرارت از حد معین تجاوز کرده و موجب آتش سوزی در گرافیت کنترل کننده راکتور و انفجار لوله های بخار رادیو اکتیو شده و سقف واحد اصلی نیروگاه را ویران کرده به فضای خارج راه یافته بود دولت شوروی به فاصله بسیار کوتاهی با ایجاد حریم امنیتی، سکنه داخل این حریم را به خارج از آن، نقل مکان داد و زندگی عادی در فاصله سی کیلومتری کارخانه حتی برای لحظه ای نیز قطع

این جنگ و آفرینندگان آن عمیقا نفرت دارم. ای کاش می توانستم راه چاره ای در این میان پیدا کنم. ای کاش ما سپاه بیکاران هم تشکلی داشتیم و می توانستیم از طریق آن حقمان را از حلقوم این رژیم سگله پرور مردم کش بیرون بکشیم.

- چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است.

حزب توده ایران در دفاع پیگیر از زحمتکش روستا

عادلانه برای محصولات کشاورزی از سوی دولت، تامین و تسهیل اعتبارات دولتی برای دهقانان تهیدست، ایجاد تعاونی‌های تولید، تعاونی‌های مصرف و فروش تولیدات کشاورزی پسود دهقانان، کوتاه کردن دست واسطه‌ها و دلالان و سلف خرها، تامین خدمات دامپزشکی و دامپروری، اصلاح نژاد دام‌ها، تربیت کادر متخصص و ماهر در زمینه دامداری، تامین امکانات لازم برای پرورش دام، توجه به صنایع دستی روستایی و ایجاد تعاونی‌های ویژه صنایع دستی و دادن کمک اعتباری به آنها و خریداری محصولات آنها با قیمت عادلانه از سوی دولت، از رتوس برنامه‌های حزب توده ایران برای انجام دگرگونی‌های بنیادی اقتصادی در روستاهای کشور است.

در عرصه اجتماعی و تامین حقوق دموکراتیک نیز حزب طبقه کارگر ایران نظرات مشخصی را ابراز داشته است از جمله این نظریات ایجاد تشکل‌های روستایی اعم از شورا، کمیته‌ها و اتحادیه‌های واقعی دهقانی و عشایری، تامین و تضمین کلیه حقوق قانونی کارگران کشاورزی و خوش نشینان در قانون کار، بهره‌مندی دهقانان کشور از قانون تامین اجتماعی و بیمه مکانی در قبایل خشکسالی و سیل، تامین مسکن مناسب، آب، برق، سوخت، جاده، حمام، درمانگاه و دیگر تسهیلات زیستی و رفاهی و فرام آوردن امکانات ضرور برای رشد زنان روستایی است.

در کنار این برنامه‌ها، حزب توده ایران هم چنین طرح‌ها و پیشنهادهایی را در جهت تجدید حیات فرهنگی و محو بیسوادی در روستاها مطرح ساخته است.

دهقانان زحمتکش و مبارز!

به همین دلیل است که امروز ارتجاع حاکم، حزب توده ایران را به جرم مبارزه پیگیر و خستگی ناپذیر در راه استیغای حقوق زحمتکشان، از جمله دهقانان تهیدست، مورد هجوم قرار می‌دهد و خون توده‌ایها را بر زمین می‌ریزد، تا بتواند سیاست خائنانه و ضد خلقی خود را به مرحله اجرا گذارد.

در چنین شرایطی برای مقابله با سیاست ضددهقانی رژیم، باید با تشکیل هسته‌های مخفی در روستاها، مبارزه خود را حول برنامه‌های راهکشی حزب توده ایران جهت ایجاد اصلاحات بنیادین، اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی در روستاها بازمان داد.

حزب توده ایران به مقابله حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران در طول حیات ۴۴ ساله خود همواره سرسخت ترین مدافع منافع دهقانان زحمتکش کشاورزان بوده و با ارزیابی و تحلیل دقیق و علمی از وضع جامعه روستایی ایران و ارائه برنامه اصولی و راه گشا در جهت حل معضلات بیش از ۲۰ میلیون روستایی، پیگیرانه مبارزه کرده است.

حزب توده ایران با وقوف به اهمیت این مسئله که دهقانان، نزدیکترین متحدان طبیعی طبقه کارگر در مبارزه اجتماعی و با توجه به شرایط مشخص جامعه هستند، نخستین نیروی سیاسی بود که مسئله اصلاحات ارضی و آب را پسود میلیونها روستایی زحمتکش میهنمان مطرح کرد. حزب توده ایران در شرایطی دفاع از منافع دهقانان را آماج خود قرارداد که روستاها قرقگاه بزرگ مالکین و فئودالهای مورد حمایت همه جانبه حاکمیت سیاه رضاخان بود.

در نخستین طرح برنامه حزب توده ایران، در رابطه با مسئله ارضی، به اصلاحات لازم در استفاده از زمین و زراعت و بهبود بخشیدن وضع زارعین و دهقانان اشاره شده است. ایجاد "سازمان مرکزی اتحادیه دهقانی ایران" و تدوین اساسنامه این اتحادیه در سال ۱۳۳۳ با شعار "دهقانان ایران بیدار شوید"، ایجاد "جمعیت دهقانی مختلط ملی" در روستاها در آبان ماه ۱۳۲۵ و تشکیل "انجمن کمک به دهقانان ایران" پس از سال ۱۳۳۷ از زمره تلاش‌های خستگی ناپذیر حزب توده ایران در جهت رشد آگاهی سیاسی دهقانان و سازماندهی جنبش دهقانی در ایران بوده است.

با پیروزی انقلاب بهمن ۵۷ فصل تازه‌ای در مبارزه سازمانگرا نه حزب توده ایران در میان دهقانان زحمتکش گشوده شد. از همان فردای ۲۲ بهمن، حزب طبقه کارگر ایران با توجه به تضاد عمیقی که بین شهروند حاکم است و تضادی که در میان جامعه روستایی بین دهقانان بی زمین و کم زمین از یکسو و بزرگ مالکان از سوی دیگر وجود دارد، برنامه عمل مشخص و دقیقی را در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ارائه داد.

اجرای اصلاحات ارضی و آبی به نفع دهقانان زحمتکش، مصادره زمین‌های متعلق به بزرگ مالکان، ملی کردن موسسات بزرگ کشاورزی و دامپروری، گسترش تولیدات کشاورزی و تامین امکانات و وسائل مدرن کشاورزی و تنظیم قیمت

خواهد شد" (اکرمی کیهان ۱۱ آبان ۶۴).

با وجود ناپیچ بودن حقوق معلمان و فشار کمزور شکن هزینه زندگی، باز هم از حقوق اندک آنان کسر می‌گردد، تا به جبهه‌های جنگ کمک شود؛ "فرهنگیان تا به حال یک میلیارد تومان به جبهه‌ها کمک کرده‌اند" (اکرمی کیهان ۱۷ اردیبهشت ۶۴).

آموزگاران زحمتکش و انقلابی میهنمان سیاست، خرابکارانه جمهوری اسلامی و ماهیت

معلمان زحمتکش...

کتابهای درسی، بیاموزند و بر همین اساس شرط انتخاب معلمان، عبور از صافی‌های پیشمار است. معلم "مکتبی" باید این خرافات را به دانش آموزان القا کند و اگر معلمی چنین نکرد به تیغ برنده "تصفیه" گرفتار خواهد آمد.

با تحمل همه این تصیقات، معلمان از یک زندگی متوسط معمولی نیز برخوردار نیستند و اکثرا با فقر دست به گریبانند. روزنامه کیهان (۲۰ شهریور ۶۴) با اشاره به پایین بودن سطح حقوق آنان می‌نویسد:

"پاداش (حقوق) مناسبی حتی در حد پرآوردن نیازهای خورد و خانواده هاشان دریافت نمی‌کنند".

یکی از معلمان چنین می‌نویسد: "با ۹ سال سابقه کار کلاً ۳۲۰۰ تومان حقوق می‌گیرم که این مبلغ با توجه به بالا رفتن هزینه بسیار ناچیز است" (کیهان ۲۰ شهریور ۶۴). معلم بازنشسته‌ای پس از سالها تدریس در مورد حقوق دریافتی خود چنین می‌گوید: "پس از بازنشستگی، دریافتی یک معلم تقریباً نصف می‌شود و این در حالی است که هزینه روزانه من است" (اطلاعات ۵ بهمن ۶۴) یکی از معلمان با درد و رنج ماجرای اخراج خود را چنین باز می‌گوید: "۱۰ سال است که ... تدریس می‌کنم و مدتی است که دیسک کمردارم و با زیاد شدن درد برای مدتی تقاضای مرخصی بدون حقوق کردم، قبول نشد. تقاضای انتقال به جای دیگر که کار سبک تر باشد کردم که قبول نشد... و الان بنده را از آموزش و پرورش اخراج کرده‌اند" (کیهان ۱۲ اردیبهشت ۶۴).

چرا چنین آشفته بازاری در وزارت آموزش و پرورش حکمرامست؟ از یکسو هیچگونه امنیت شغلی برای معلمان وجود ندارد، از سوی دیگر در رفع نیازهای ابتدائی خود و خانواده خویش عاجز هستند. اکرمی، وزیر آموزش و پرورش می‌گوید: "با بودجه‌ای که برای آموزش و پرورش در نظر گرفته شده است... متأسفانه چوایگو نیستیم" (کیهان ۱۱ آبان ۶۴). منظور وزیر آموزش و پرورش را کریسیان مدیر کل آموزش و پرورش استان مازندران بیشتر توضیح می‌دهد: "از آنجا که (معلم) در جامعه اسلامی صاحب رسالت الهی است، قطعاً هیچ تشویقی جز به صورت معنوی نمی‌تواند با نوع کار او سنخیت و مناسبت داشته باشد. البته نباید از نظر دور داشت در حالیکه جنگ تحمیلی فعلاً اجازه انجام بسیاری از اقداماتی که در جهت رفاه حال معلمان عزیز باید صورت پذیرد را نمی‌دهد" (کیهان ۲۳ خرداد ۶۴). هر جا هم که مسئولان آموزش و پرورش خواسته‌اند راجع به رفع مشکلات مالی این وزارتخانه وعده‌ای بدهند وعده خود را منوط به دریافت کمک مالی از مردم می‌کنند: "اگر چنانچه اولیای نصف کل دانش آموزان سراسر کشور در سال حدود ۵۰۰ تومان یعنی ماهی ۵۰ تومان به آموزش و پرورش کمک نمایند خیلی از مشکلات آموزش و پرورش از نظر مالی حل

عملکرد وزارت آموزش و پرورش را افشا می‌کنند و با تشکل در مقابل هر گونه فشار و تضییع حقوق خویش قهرمانانه می‌ایستند و از هر فرصتی برای روشن کردن اذهان نونهالان و جوانان دانش آموز بهره می‌گیرند، زیرا به خوبی دریافته‌اند که مسئولیت بزرگی را بر دوش دارند، مسئولیتی به بزرگی نقش آینده در تعیین سرنوشت مردم.

همبستگی جهانی با توده‌ای‌های دربند

در جریان برگزاری کنفرانس، پناهنده دعوت حزب کمونیست هندوستان، هواداران حزب توده ایران در هند غرفه و نمایشگاه عکسی برپا کردند. تعداد پرشماری از شرکت کنندگان از غرفه و نمایشگاه عکس حزب ما بازدید به عمل آوردند و با امضاء طوماری همبستگی پرشور خود را با مبارزه مردم ایران و حزب توده ایران اعلام داشتند.

در جشن سازمان "زن و صلح"

چندماه پیش سازمان "زن و صلح" که به ابتکار زنان ایران، شیلی، ترکیه، الجزایر، تونس و داراگروه با هدف جلب همبستگی جهانی بخاطر مبارزه زنان در راه صلح و برابری تشکیل شده است، در پاریس جشنی برگزار کرد.

در این جشن، ریاست سازمان "زن و صلح" در سخنرانی خود ضمن اشاره به اهمیت نقش زنان در مبارزه بخاطر صلح، درباره پیامدهای شوم مسابقه تسلیحاتی و تاثیر آنها در سرنوشت خلق ها و وضع زنان سخن گفت. بخشی از سخنان ریاست سازمان "زن و صلح" به مسایل زنان در کشورهای عضو سازمان اختصاص داشت.

درباره وضع زنان در ایران، ریاست سازمان پس از برشمردن خیانت سران جمهوری اسلامی به آماج های مردمی و ضدامپریالیستی انقلاب ۲۲ بهمن، پیرامون پایمال کردن حقوق زنان، زندانیان سیاسی زن از جمله مسئول "تشکیلات دمکراتیک زنان ایران" و همچنین جنگ ایران و

عراق صحبت کرد. وی نقش زنان ایران در مبارزه در راه صلح، آزادی و برابری حقوق را ستود.

در قسمت فرهنگی جشن، موسیقی سنتی و فولکلوریک کشورهای عضو سازمان، از جمله ایران اجرا گردید. در طی برنامه، احزاب و سازمان های ترقی خواه از کشورهای گوناگون همبستگی خود را با برگزارکنندگان این جشن اعلام داشتند.

اعضاء و هواداران "تشکیلات دمکراتیک زنان ایران" نیز با شعار "زنان ایران برای صلح، آزادی و حقوق برابر مبارزه می کنند" در این جشن شرکت کردند و ضمن فروش نشریاتی درباره وضع زنان در کشورمان برای آزادی زندانیان سیاسی به جمع آوری امضاء پرداختند.

در کنفرانس سراسری کنفدراسیون های کار

ایتالیا

چندی پیش یازدهمین کنفرانس سراسری کنفدراسیون عمومی کار ایتالیا، با شرکت نمایندگان میلیونها کارگر ایتالیایی، در شهر رم برگزار شد. بیش از ۱۲۰ هیات نمایندگی سندیکاها، احزاب سیاسی و جنبش های آزادیبخش از کشورهای مختلف جهان از جمله نماینده حزب توده ایران میهمان این کنفرانس بودند.

شرکت کنندگان در کنفرانس، ضمن گرامیداشت خاطره سندیکالیست های شهید ایران، همبستگی خود را با کارگران کشورمان اعلام داشتند. در

توهین ریگان به فقرا و گرسنگان

یا نمی توانیم آنها را تغذیه کنیم.

در واقع ریگان به شیوه خود می خواست که برای گرسنگی مردم علت های دیگر بتراشد که به هیچ وجه با واقعیت های موجود در ایالات متحده تطبیق نمی کند. پس از انتخاب ریگان به ریاست جمهوری، در فاصله ۵ سال، ۲۱ درصد به تعداد خانواده هایی که بخاطر سیرکردن شکم خود دست به گدایی می زنند، افزوده شده است. در سال ۱۹۷۵، ۲۱ میلیون آمریکایی ۲۸ روز گرسنگی کامل را تحمل کردند و...

چسی چکسون شخصیت شناخته شده آمریکایی درباره شرکت ریگان در تظاهرات یادشده، گفت:

همراهی رئیس جمهور در تظاهرات ما، توهینی است به فقرا و گرسنگان. اوتا هنگامی که دست از حذف برنامه های رفاه اجتماعی بردارد، در صفوف ما جایی نخواهد داشت.

میلیونها انسان گرسنه از ۵۰ شهر ایالات متحده، آمریکا تظاهرات عظیمی به راه انداختند. در این تظاهرات ریگان و همراهان او نیز سالوسانه شرکت کردند. در مصاحبه تلویزیونی ای که انجام شد یکی از دانشجویان از ریگان پرسید: آیا در آمریکا گرسنگی وجود دارد؟ ریگان پاسخ داد: من باور نمی کنم علت گرسنگی مردم آمریکا این باشد که ما نمی خواهیم



جبهه متحد خلق ضامن پیروزی است!

جریان برگزاری کنفرانس، فراخوانی برای آزادی توده ایهای دربند و دیگر زندانیان سیاسی ایران در بین هیات های نمایندگی کشورهای مختلف پخش گردید. در بخشی از این فراخوان از جمله آمده است:

" ما قویا خواهان لغو احکام اعدام و متوقف شدن شکنجه های روحی و جسمی زندانیان هستیم و از دولت ایران می خواهیم تا به حیاتی مرکب از پزشکان و خبرنگاران اجازه دهد تا از وضع زندانیان در فراموشخانه های رژیم باخبر شوند."

هیات های شرکت کننده در کنفرانس با امضاء فراخوان، همبستگی خود را با مبارزه برخی مردم ایران و حزب توده ایران ابراز داشتند و خواهان آزادی زندانیان سیاسی کشورمان و پایان بخشیدن به جنگ ایران و عراق شدند. از جمله هیات های نمایندگی زیر بر پای فراخوان امضاء گذاردند:

"اتحادیه سندیکایی فلسطین"، "کنفدراسیون سندیکالیست های ترقی خواه ترکیه (دیسک)"، "کنفدراسیون عمومی کارگران یونان"، "اتحادیه کارمندان و کارگران لبنان"، "اتحادیه تولیدکنندگان لیبی"، "کنگره ملی طبقه کارگر برزیل"، "سازمان کارگران موزامبیک"، "کنگره سندیکالیست های زیمبابوه"، "اتحادیه ملی کارگران ژنیر"، "کنفدراسیون عمومی کارگران لوکزامبورگ".

مرگ بر امپریالیسم
آمریکا، دشمن اصلی
خلق های ایران و
جهان!

کمک مالی به حزب توده ایران
یک وظیفه انقلابی است!

کمک های مالی رسیده:

ماله از لندن ۲۷ پوند
سهیل از لندن ۱۵ پوند
گروهی از رفا ۷۵۰ مارک

NAMEH P.B. 49034
MARDOM 10028 Stockholm 49
No: 106 Sweden
12 June 1986